

## غزل شماره ۲۵۵

یوسفِ کم‌گشته باز آید به کنعان، غم مخور  
کلبه احزان شود روزی گلستان، غم مخور

ای دل غمیده، حالت به شود، دل بدکن  
وین سرشوریده باز آید به سامان غم مخور

گر بهارِ عمر باشد باز بر تختِ چمن  
پتھر گل در سرکشی، ای مرغِ خوشخوان غم مخور

دورِ گردونِ گردِ روزی بر مرادِ ما نرفت  
دائماً یکسان نباشد حالِ دورانِ غمِ مخور

مانِ مشو نومید چون واقفِ نه‌ای از سرِ غیب  
باشد اندر پرده‌بازی‌های پنهانِ غمِ مخور

ای دل آریلِ فنا بنیادِ هستی بر کند  
چون تورانوح است کشتیان، ز طوفانِ غمِ مخور

در میانِ گریه‌شوقِ کعبه‌خواهی زد قدم  
سرزنش‌هاگر کند خارِ مُعیلانِ غمِ مخور

کرچه مترل بس خطرناک است و مقصد بس بعید  
بیچ راهی نیست، که آن را نیست پیمان، غم مخور

حال مادر فرقت جانان و ابرام رقیب  
جمله می داند خدای حال گردان غم مخور

حافظا در کنج فقر و خلوت شب های تار  
تا بود و ردت دعا و درس قرآن غم مخور

تفسیر فال

گم کرده‌ی خود را پیدا می‌کنی و روزگار پر درد و رنجت به خوشبختی مبدل می‌شود. در این مسیر سخت، هرگز به دل خود راه نده و ناامیدی را بر آن حاکم نکن. اگر امروز نتوانی به آرزوی خود دست یابی، فردا حتما نشانه‌هایی از پایان غم و اندوه را خواهی دید، زیرا تو همواره با خدا هستی و در سایه‌ی رحمت او، از بلایا و مشکلات زندگی نجات پیدا خواهی کرد. همچنین به یاد داشته باش که باید در خلوت خود قرآن بخوانی؛ این عمل نه تنها آرامش روح را فراهم می‌آورد، بلکه با تلاوت آیات نورانی آن، راهت را برای رسیدن به مقصد روشن‌تر می‌سازد تا بتوانی از وسوسه‌ها یا انحرافات دور شوی.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)